

نقاشی پشت شیشه، هنری فراموش شده

گفت‌و‌گو با «مهرنوش بشارت» که تلاش‌های ۴۰ ساله‌اش

برای احیای اصیل‌ترین هنر ایرانی، لحظه‌ای توقف نداشته است



محدثه فیروزبخت | خبرنگار

نقاشی پشت شیشه هنری است که در دوره صفویه از اروپای شرقی، چین و هند به کشورمان وارد شده اما با استعداد و هنر زیبای ایرانیان و خلاقیت‌شان، رنگ‌وبویی بومی به خود گرفته و به همین دلیل در این آثار، نمونه‌های تقلیدی بسیار کمی مشابه نمونه‌های غربی دیده می‌شود. خانم «مهرنوش بشارت» یکی از کاربلدترین استادان نقاشی پشت شیشه است. او متولد سال ۱۳۴۰ است و سال‌هاست که غرق در هنرش کار می‌کند و آموزش می‌دهد. در تهران به دنیا آمده اما برای تحصیل به فرانسه رفته و هنر آموخته و علاقه شدیدی او به هنر از کودکی باعث شده به این راه کشیده شود. این هنرمند حدود ۴۰ سال از عمر خود را صرف هنر نقاشی پشت شیشه کرده و در مسیر احیای این هنر اصیل و قدیمی لحظه‌ای توقف نداشته است. بقیه ماجرا را از زبان او می‌خوانیم.

هنری دیده‌نشده‌ولی زیبا و سخت

خانم «بشارت» در باره سال‌های اول آشنایی‌اش با هنر نقاشی پشت شیشه می‌گوید: «همان‌طور که می‌دانید در دانشگاه‌های هنر کشورمان، رشته‌ای به نام نقاشی پشت شیشه وجود ندارد. هنرهای تجسمی هم آن شغلی نبود که با روحیاتم همخوانی داشته باشد. علاقه من به هنری بود که غرق در دست کردنش شوم و بتوانم خلق اثر کنم. به طور کلی، هنرهای دستی باعث می‌شود هنرمند در عالم خودش محو شود و به یک معنویت خاصی در کار برسد و تا آخر کار اشتیاق فراوانی را تجربه کند تا اثرش را تمام کند.

در ادامه می‌توانید با خانم مهرنوش بشارت گفت‌وگو کنید.

از بچگی فهمیدم که مادرم، نامادری است اما هنوز به رویش نیاوردم

مادری دارم که مادرم نیست. از همان بچگی فهمیدم ولی تا امروز به رویش نیاوردم. الان هم ۲۰ ساله شدم اما هنوز یک بار هم به روی خودش نیاورده که اصل ماجرا چیست. چشم در چشم به من نگاه می‌کند و من را دخترم خطاب می‌کند، در صورتی که من دخترش نیستم. می‌ترسم اصل ماجرا را برپیرسم، برایم دردسر در دست کند.

دکتر رضا یعقوبی | روان‌شناس سلامت

دانستن این واقعیت که مادر واقعی شما چه کسی است، حق طبیعی شماست و هر وقت که اراده کنید می‌توانید در این باره از پدر و مادر یا اطرافیان خود سوال کنید و آن‌ها باید حقیقت ماجرا را برای شما بازگو کنند. دلیلی برای مخفی کردن این واقعیت وجود ندارد مگر این که آن‌ان با خودشان فکر کرده‌اند که بهتر است این واقعیت را از شما پنهان کنند و مخفی کردن این ماجرا ممکن است از روی ناآگاهی یا ترس از عواقب آن انجام شده باشد.

کاش در نوجوانی به شما می‌گفتند

نامادری شما ممکن است به هر دلیلی این واقعیت را از شما پنهان کرده باشد اما به این معنی نیست که کار درستی انجام داده است. ممکن است در این باره با هیچ متخصصی مشورت نکرده ولی باید این واقعیت را خیلی زودتر و در نهایت تا آغاز نوجوانی به شما می‌گفتند. به هر حال به احتمال زیاد عمدی در کار نبوده و همان‌طور که اشاره شد، از روی ناآگاهی یا ترس از عواقب آن بوده است.

از این ادعایتان، مطمئن هستید؟

یک نکته مهم در باره موضوع شما این است که باید درباره ادعایی که می‌کنید، مطمئن شوید. گفتید که از همان بچگی فهمیدید اما چگونه؟ و چقدر از این موضوع مطمئن هستید؟ چطور متوجه این واقعیت شدید؟ آیا از کسی شنیده‌اید؟ و به نظر شما چه دلایلی وجود داشته که این واقعیت را از شما مخفی کنند؟ حدس شما چیست؟ به نظر تان چرا آن‌ها باید موضوع به این مهمی را تا ۲۰ سالگی از شما مخفی کنند؟ پس بسیار مهم است که ابتدا در باره ادعایی که دارید، مطمئن شوید و بعد آن را با نامادری یا پدرتان و... مطرح کنید.

هنرهای ناشناخته‌ادر باید

این بانوی هنرمند در باره هنرهایی که یک هنرمند در این راه تجربه می‌کند، این گونه توضیح می‌دهد: «چند سال پیش و برای اولین بار به کمک تیم خودم و با ۱۶ ماه تلاش، توانستم هفت‌خان رستم و ۲۵ اثر از شاهنامه را پشت شیشه بیاوریم که این نسخه در جای دیگری وجود ندارد. با این حال، هنگام کار کردن حتی کوچک‌ترین لرزش دست باعث می‌شود که کار خراب‌شود. رعایت تناسب در استفاده از رنگ‌ها و زیبایی‌شان یکی از اصلی‌ترین مواردی است که باید رعایت شود. به‌طور مثال، مادر حال کار روی پروژه شاهنامه بودیم که بعضی از قسمت‌ها خراب یا پاک می‌شد یا شیشه می‌شکست که باید از ابتدا شیشه می‌خریدیم، شروع می‌کردیم و طرح می‌زدیم. حتی یادم هست که به‌شروع نمایشگاه کاشی‌ها، فقط سه‌روز مانده بود که شیشه بعضی از افراد تیم شکست و مجبور شدند شبانه‌روز کار کنند تا اثر را برای مخاطبان به نمایش بگذارند. کار آسانی نیست و چندین بار در این راه شکست خوردم اما ناامید نشدم.»

هنرهای ناشناخته‌ادر باید

این بانوی هنرمند در باره هنرهایی می‌گوید که مانند نقاشی پشت شیشه، ناشناخته مانده و هر کدام‌شان می‌تواند یک بازار کار برای خودش راه بیندازد: «هنرهای صنایع دستی در بین مردم شناخته شده و آشنا هستند اما در هنرهای سنتی، بیشتر هنرها ناشناخته‌اند مانند نقاشی روی چرم، پشه‌دوزی، سوزن‌دوزی، سراجی و بسیاری دیگر که با وجود زیبایی‌شان طرفدار زیادی ندارند.

این نداشتن طرفدار یا ضعف هنرمند است برای این که آن‌طور که باید، هنرش را با مردم آشنا نکرده یا ضعف جامعه است که هنر دیرینه خود را به فراموشی سپرده و تاریخ را یادآوری نمی‌کند. حتی گاهی مخاطبانی که به نمایشگاهی آیند با دیدن نقاشی پشت شیشه فکرمی‌کنند عکس بر گردان است که باعث دل شکستگی هنرمندان می‌شود.»

بارها شکست خوردم اما ناامید نشدم

خانم بشارت در باره سختی‌هایی که یک هنرمند در این راه تجربه می‌کند، این گونه توضیح می‌دهد: «چند سال پیش و برای اولین بار به کمک تیم خودم و با ۱۶ ماه تلاش، توانستم هفت‌خان رستم و ۲۵ اثر از شاهنامه را پشت شیشه بیاوریم که این نسخه در جای دیگری وجود ندارد. با این حال، هنگام کار کردن حتی کوچک‌ترین لرزش دست باعث می‌شود که کار خراب‌شود. رعایت تناسب در استفاده از رنگ‌ها و زیبایی‌شان یکی از اصلی‌ترین مواردی است که باید رعایت شود. به‌طور مثال، مادر حال کار روی پروژه شاهنامه بودیم که بعضی از قسمت‌ها خراب یا پاک می‌شد یا شیشه می‌شکست که باید از ابتدا شیشه می‌خریدیم، شروع می‌کردیم و طرح می‌زدیم. حتی یادم هست که به‌شروع نمایشگاه کاشی‌ها، فقط سه‌روز مانده بود که شیشه بعضی از افراد تیم شکست و مجبور شدند شبانه‌روز کار کنند تا اثر را برای مخاطبان به نمایش بگذارند. کار آسانی نیست و چندین بار در این راه شکست خوردم اما ناامید نشدم.»

برای آموزش دادن این هنر، کتاب نوشتم

خانم بشارت در باره این که علاقه‌مندان به این هنر باید چطور آن را یاد بگیرند، می‌گوید: «در باره قیمت این آثار، اگر یک هنرمند را منصف در نظر بگیریم باید یک اثر ۲۰ در ۳۰ را به قیمت یک میلیون بفروش برساند. این هنر برای افرادی که علاقه‌مند هستند، رشته تحصیلی ندارد اما چند کتاب در باره نقاشی روی شیشه البته نه تکنیک آن، وجود دارد. به‌طور مثال، من به کمک آقای دکتر باوری کتابی را درباره تکنیک نقاشی و تصاویری که از آثار من و دیگر هنرمندان وجود دارد، نوشته و گردآوری کردیم به اسم «روایت نقاشی پشت شیشه». به عنوان یک هنرمند، جمله هنر نزد ایرانیان است و پس را تحسین می‌کنم و واقعاً به آن باور دارم اما متأسفانه آگاهی و امکانات کافی وجود ندارد تا هر فردی، هنر وجودش را بشناسد و آن را به مرحله بروز برساند.»

خندیدن در روزهای بحرانی اشکال دارد؟!‌

همزمان با شیوع کرونا، «چالش لبخند» در فضای مجازی به راه افتاده که نکات موافقان و مخالفانش از منظر روان‌شناسی، قابل بررسی است

معنی بی تفاوتی و فراموشی مشکل باشد.
اگر به معنای عادی سازی فاجعه باشد
زمانی که منبع اضطراب مان را قبول نداشته باشیم، سعی می‌کنیم با انکار واقعیت، آن را شایعه و شوخی بدانیم و فاجعه را عادی کنیم. در این صورت، در راه ناسالمی قدم گذاشته ایم که به مراقبت از خودمان و دیگران منجر نمی‌شود.
اگر واکنش وارونه باشد
ما در مقابل اضطراب‌ها به‌طور ناخودآگاه، از سازوکارهای دفاعی استفاده می‌کنیم. یکی از آن‌ها «واکنش وارونه» است یعنی هیجانی را از خودمان بروز می‌دهیم که ۱۸۰ درجه با احساس واقعی‌مان فرق دارد. اگر خنده‌ها و شوخی‌هایمان به خاطر این سازوکار باشند، لازم است یک‌بار دیگر هیجان‌های‌مان را بررسی کنیم.

در روزهای بحرانی، بخندیم یا نه؟!
عه‌ای در مخالفت با لبخند در شرایط بحرانی، از «برتولت برشت» نوشتند: «آن که می‌خندد هنوز خبر هولناک را نشنیده است!» و آن را مضحک دانستند. عده دیگری اما «نامیدی» را انکوهش کردند. آیا واقعا در روزهای بحرانی نباید بخندیم؟ واقعیت این است که در شرایط آشفتنگی و خطرناک، فشار و تنیدگی (جسمی و روانی) زیادی به ما تحمیل می‌شود. پس حتی ساده‌ترین کارها هم می‌توانند کارکردهای مفیدی داشته باشند. احتمالاً این چالش، برای تعدادی از کاربران، کارکرد روان‌شناختی داشته تا بتوانند به اندازه چندثانیه، از آن حجم غم، خشم، ناامیدی و... فاصله بگیرند. باین حال، چنداما و اگر وجود دارد که نباید آن‌ها را نادیده بگیریم.

اگر خلق شادی داشته باشیم
«خلق» در روان‌شناسی، به معنای «حالت هیجانی پایدار و درونی فرد» است. اگر در اوج بحران‌ها، خلق شادی داشته باشیم یا در اصطلاح عامیانه، بر طبل بی‌عاری بکوبیم، طبیعی و بهنجار نیست. گاهی دل‌مان می‌خواهد اندکی بخندیم، سرگرم شویم و به چیزهای دیگری جز مشکل فکر کنیم که البته حالت سالم و مفیدی است. زیر اقرار نیست با هجوم یک‌ویروس، آماده مرگ شویم! ولی هرگز نباید به در خانه بمانیم.

قرار و مدار

روز گردگیری لامپ‌های خانه

تمیز کردن مهبتابی‌ها و لامپ‌ها که معمولا

گرد و خاک زیادی روشن می‌شینه، هر چند وقت یک بار با کمک یک دستمال مرطوب، باعث میشه تا اون‌ها نور بهتری به فونته تون تقدیم کنن

از دنیای روان شناسی

چرا نمی‌توانیم به صورت‌مان دست‌ن‌زنیم؟

در حالی که هنوز راه‌موشی برای مواجهه با شیوع گسترده ویروس کرونا یافت نشده است، کارشناسان می‌گویند بهترین روش جلوگیری از انتقال این ویروس رعایت فردی و دست‌ن‌زدن به دهان، بینی و چشم‌هاست. راهی که در ابتدا ساده به نظر می‌رسد اما کمتر کسی است که بتواند در مقابل وسوسه دست‌زدن به صورتش مقاومت کند. یک پژوهش که در دانشگاه نیوساوت‌ولز در استرالیا انجام شده است، نشان می‌دهد افراد به‌طور متوسط ۲۳ بار در ساعت یا ۳۶۸ بار در زمان بیداری، صورت‌شان را لمس می‌کنند. «کوبن چاپمن»، روان‌شناس و رئیس مرکز اختلالات مربوط به اضطراب رفتاری می‌گوید: «میل دست‌زدن به صورت یک عادت به شدت طبیعی انسانی است زیرا لمس صورت به‌طور ناخودآگاه این پیام را ارسال می‌کند که شما در مقابل افراد دیگری وجود مجزا هستید و در باره آن‌آگاهی دارید.»

به خودتان نگویید که به صورت‌تم دست‌نمی‌زنم!
جالب است بدانید یک پژوهش که در سال ۲۰۱۴ انجام شده، نشان می‌دهد لمس صورت در تنظیم استرس و شکل‌گیری خاطر موثر است. اما حال که مشکلات انتقال ویروس از این طریق بیشتر شده است، سازمان جهانی بهداشت توصیه کرده افراد این عادت را کنار بگذارند. اما مشکل در خودداری از انجام این عمل است. درواقع اگر به خودتان بگویید دست به صورت‌تم نمی‌زنم، بیشتر احتمال دارد به آن دست‌ن‌زنید. دکتر چاپمن می‌گوید که به جای بر خورد چکشی و قاطع، بهتر است روشی منعطف را امتحان کنیم. برای مثال به جای این که بگوییم «من امروز وقتی بیرون هستم اصلا و ابدا به صورت‌تم دست نمی‌زنم»، می‌توانیم این‌طور امتحان کنیم: «امروز بیشتر مراقب هستم که به صورت‌تم دست‌ن‌زنم.» تنظیم یک یادآور روی تلفن همراه به این صورت که هر از چند گاه پیغام‌هشدار می‌برایمان بفرستد، از دیگر راه‌هایی است که می‌تواند به ما در اجتناب از لمس صورت کمک کند. همین‌طور مشغول کردن دست‌ها از طریق بازی با «توپ استرس» هم می‌تواند راه مناسبی باشد. دنیس کامپزن، دانشمند رفتارشناس که در زمینه شکل‌گیری فرایند تصمیم‌گیری در ذهن تحقیق کرده است، می‌گوید اگر چیزی در دست‌رس نیست می‌توان انگشتان را به هم قلاب کرد تا نتوانیم آن‌ها را به صورت‌مان بزنیم. این روش‌هایی‌تواند به ما کمک کند تا جلوی شیوع بیشتر ویروس کرونا را در جامعه بگیریم. ویروسی که تاکنون بیش از ۱۰۰ هزار تن را مبتلا کرده و تعدادی از درم‌ر‌ها هم به کام مرگ کشانده است.

منبع: یورونیوز
ما و شما
راه ارتباطی با زندگی سلام: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰
و تلگرام ۰۹۳۵۴۲۹۴۵۷۶

❖ در باره پرونده زندگی سلام، باید بگم که اگر هر روستایی، فقط یک نفر مثل سعید انصاریان داشته باشد، آن چنان کشور سرسبزی داشته باشیم که همه دنیا، غیبه بخورند.
❖ در صفحات کاناپه این هفته، ستون عکس هفته با موضوع «در این عکس‌ها هیچ ویرایشی صورت نگرفته است!»؛ جالب بود. ممنون.
❖ ستون «از من بپرس» در صفحه نوجوان را هر روز چاپ کنید.
❖ مهریه زوجی که خانم موافقت کرده به جای سکه، سالی ۱۰ درخت بکارند، تحسین برانگیز است. چه خاطرات خوشی از همان مراحل کاشت درخت رقم خواهد خورد که به تحکیم زندگی‌شان کمک خواهد کرد.
❖ زندگی سلام در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه، دو نفر را به مخاطبانش معرفی کرد که بدون توجه به کرونا، سخت مشغول بهتر کردن زندگی دیگران هستند. ماجرای حاج تقی و جهیزیه‌هایش و انصاریان و علاقه‌اش به درختکاری، هیچ وقت از ذهنم پاک نمی‌شود.
❖ به جای کاشت درخت، بهتر نیست که جلوی مافیای قطع درختان گرفته بشه؟ از این طرف هم به ماجرا بپردازید.
❖ از روزنامه خراسان به خصوص قسمت زندگی سلام، خواهش می‌کنم که دیگر درباره شیوه اصولی شستن دست‌ها، مطلب ننویسید. کسی که تا الان یاد نگرفته، هیچ وقت یاد نخواهد گرفت.